

تأثیر جهانی شدن بر ماهیت مرزها

محمد رضا حافظ‌نیا^{۱*}، محسن جان‌پرور^۲، پیروز مجتهدزاده^۳

۱- استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲- کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳- دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

دریافت: ۸۷/۳/۱۲ پذیرش: ۸۷/۹/۱۶

چکیده

مرز یکی از مفاهیم اساسی و مهم در جغرافیای سیاسی است؛ اما امروزه بحث‌های زیادی دربارهٔ آن در میان رفتن و بی‌اهمیت شدن مرز در عصر جهانی شدن وجود دارد. بحث دربارهٔ جهانی شدن و تأثیر آن بر مرزها آن‌چنان گسترش یافته است که در باور برخی صاحب‌نظران به‌ویژه علوم اجتماعی چنین جلوه می‌کند که با توجه به پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک، دیری نخواهد گذشت که خانوادهٔ بشری شاهد از میان رفتن جدایی‌های مرزی و سرزمینی و هویتی خواهد بود و جهان سیاسی در عمل به «دهکده» ای یکدست تبدیل خواهد شد. این تحقیق با رویکرد جغرافیای سیاسی سعی دارد تا تأثیر فرایند جهانی شدن را بر ماهیت مرزها بررسی کند. به این معنا که شکل‌گیری جنبه‌های مختلف جهانی شدن اگرچه باعث تحولات زیادی در ابعاد مختلف شده است، این تحولات نتوانسته ماهیت مرزها را تحت تأثیر قرار دهد. استدلال اصلی تحقیق این است که ماهیت مرز با توجه به فرایند جهانی شدن، تحت تأثیر قرار نگرفته است. در این باره این باور وجود دارد که از ابتدا جهان خلقت براساس تفاوت و نیز دیدگاه و منافع متفاوت انسان‌ها بنا شده است و تا زمانی که انسان وجود دارد مرزها نیز وجود خواهند داشت و جهانی شدن و گسترش ارتباطات و غیره، جایگاه و نقش مرزها را در زندگی اشتراکی انسان‌ها از بین نمی‌برد.

واژه‌های کلیدی: ماهیت مرز، جهانی شدن، جغرافیای سیاسی.



۱- مقدمه

گذار از دورانی سیاسی به دوران سیاسی دیگر، گذاری است تاریخی که تعریف‌های ویژه‌ای را در جنبه‌های مختلف می‌طلبد. در این گذر جهان به مرحله‌ جدیدی از تاریخ خود گام نهاده است. پایان سده بیستم با پدیده جهانی‌شدن مشخص می‌شود و از نشانه‌های این پدیده، اوج‌گیری در حد انفجار همه‌انواع جریان‌ها و تأثیر هر نوع حرکت بر همه نقاط کره زمین است (لورو و توال، ۱۳۸۱: ۵-۱۰۴). این گذر و روند، تقریباً از دهه ۱۹۶۰م با تغییرات مهمی که در جهان روی داده شروع شده است و واژه «جهانی‌شدن» خصوصیات این تغییر را به‌خوبی بیان می‌کند. واژه جهانی‌شدن در اینجا به فرایندهایی اشاره دارد که در آن‌ها روابط اجتماعی از قلمرو جغرافیایی جدا می‌شوند؛ به‌گونه‌ای که انسان‌ها گویی به صورت فزاینده‌ای در جهان به‌عنوان یک مکان واحد زندگی می‌کنند (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳: ۴۸). اما آنچه امروز در عمل دیده می‌شود این است که هم‌زمان با گسترش سریع ارتباطات و مبادله اطلاعات و همگام با جهانی‌شدن نظام اقتصادی بازار آزاد و اقتصادی‌شدن نظام جهانی و هم‌زمان با فزونی گرفتن گروه‌بندی‌های منطقه‌ای و جهانی، آرمان‌های کشورگرایی و استقلال‌خواهی‌های مبتنی بر هویت ملی جداگانه و مستقل و متمایز از دیگران نیز به‌سرعت گسترش می‌یابد. این تحول واکنش طبیعی و ذاتی گروه انسانی برای جدا و متمایز بودن از دیگران در برابر سرعت گرفتن یکپارچگی اقتصادی و اطلاعاتی جهان ژئوپلیتیک است.

با توجه به این دگرگونی‌ها، آنچه آشکار می‌نماید این واقعیت است که اگرچه جهان سیاسی به سوی یکپارچگی اطلاعاتی پیش می‌رود و اگرچه این روند ممکن است به واقعیت یافتن «دهکده جهانی ارتباطات و اطلاعات» منجر شود، «دهکده جهانی سیاسی» و یکپارچه شدن ملل جهان در یک نظام سیاسی هرگز واقعیت پیدا نخواهد کرد (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۷۰). با توجه به اینکه ماهیت مرز از وجود انسان مایه می‌گیرد و در اشکال متفاوت بروز می‌کند و وجود انسان را بدون وجود مرزهایی که او را از دیگری و مکان زندگی او را از مکان‌های دیگر و... جدا می‌کند نمی‌توان تصور کرد؛ بنابراین در هر سطحی - فردی تا سطح یک کشور و حتی فراتر از آن - وجود مرزها برای تمایز از دیگری

برای احساس برتر بودن کسب منافع و... الزامی خواهد بود. البته، این مرزبندی‌ها با توجه به شرایط زمانی و مکانی و تحت تأثیر عوامل متفاوت شکل‌های متفاوتی به خود می‌گیرد. جهانی شدن به عنوان یکی از عوامل برجسته دهه اخیر، مرزها را به صورت‌های متفاوت تحت تأثیر قرار داده و باعث شکل‌گیری دیدگاه‌های متفاوت و متضاد در بین صاحب‌نظران رشته‌های علوم اجتماعی و... شده است. این در حالی است که مرز یکی از مباحث اصلی جغرافیای سیاسی است و این رشته می‌تواند بهترین استدلال‌ها را در این زمینه با توجه به بحث جهانی شدن ارائه دهد. بنابراین، در این تحقیق از دیدگاه جغرافیای سیاسی تأثیر جهانی شدن بر ماهیت مرز بررسی شده است.

۲- روش تحقیق

روش اصلی این تحقیق با توجه به ماهیت نظری آن توصیفی - تحلیلی است و برای گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی استفاده شده است. این تحقیق با توجه به رویکرد جغرافیای سیاسی آن، اولین نوشتار علمی - جغرافیایی - سیاسی در تبیین تأثیر فرایند جهانی شدن بر مرز به‌شمار می‌آید. سؤال اصلی تحقیق نیز این است: آیا فرایند جهانی شدن بر ماهیت مرز تأثیری داشته است؟

۳- مفاهیم تحقیق

۳-۱- مرز

انسان برای مشخص کردن محیط پیرامون خود به گونه‌ای که با گستره فعالیت همسایگان تداخل نداشته باشد، ناچار از تعیین خطوط قراردادی در بخش پایانی و پیرامونی محیط زیست یا قلمرو خود است. نوع گسترش یافته این مفهوم خط پیرامونی است که بخش پایانی گستره فعالیت یک ملت را مشخص می‌کند و جنبه سیاسی دارد و «مرز» خوانده می‌شود (همان، ۴۰). خطوط مرزی از نشانه‌های تفکیک دولت‌های جدید است که با خط باریک و نازکی دو دولت را از هم جدا می‌کند و قلمرو رسمی اعمال اراده سیاسی آن‌ها را نشان می‌دهد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۳۰۰).



۲-۳- جهانی‌شدن

«جهانی‌شدن» را باید مهم‌ترین پدیده‌ای دانست که زندگی انسان را در عصر حاضر تحت‌تأثیر قرار داده است. این واژه اولین بار در سال ۱۹۶۱م در **فرهنگ وبستر** به کار گرفته شد و به‌عنوان پدیده‌ای علمی از اوایل دهه نود میلادی مورد توجه جدی پژوهشگران قرار گرفت. امروزه، جامعه علمی با سیل نوشتارها و گردهمایی‌های گوناگونی در مورد جهانی‌شدن روبه‌رو است و پژوهشگران از حوزه‌های علمی کاملاً متفاوت با پیروی از مکاتب علمی، سیاسی، ایدئولوژیکی و فلسفی گوناگون به تعریف و توصیف جهانی‌شدن می‌پردازند (اخوان زنجانی، ۱۳۸۱: ۴۷). با وجود این، بین دانشمندان بر سر تعریف دقیق جهانی‌شدن یا تأثیر آن بر زندگی و رفتار انسان‌ها هیچ اتفاق‌نظری وجود ندارد. برخی دانشمندان کوشیده‌اند جهانی‌شدن را به‌عنوان مفهومی اقتصادی تعریف کنند؛ درحالی‌که جمعی دیگر به تبیین این مفهوم در چارچوب کلّ تحولات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و زیست‌محیطی اخیر پرداخته‌اند (مالک، ۱۳۸۲: ۲۵). با وجود تعریف‌های مختلف جهانی‌شدن، از هر دیدگاهی به جهانی‌شدن نگرسته شود، نشان‌دهنده نوعی دگرگونی و تحول در نظام جهانی است.

۴- مباحث نظری تحقیق

ماهیت مرز

تفاوت در خصیصه‌های موجودات، اساس خلقت را تشکیل می‌دهد و نظام خلقت بشر بر تفاوت نهاد شده است. بنابراین، تفاوت در بطن خود جدایی، تفکیک و مرز را به‌همراه دارد. ژان گاتمن جدایی‌های سیاسی را در گروه‌های انسانی بررسی کرده است. او حرکتی «معنوی» را در محیط انسانی شناسایی کرده است که با ظرافت، افراد را در یک گروه انسانی گرد می‌آورد و آنان را از دیگر گروه‌ها جدا و به ملت یکپارچه تبدیل می‌کند. او در تشریح این نیرو می‌گوید:

جداگانه بودن نسبت به محیط دیگران و سربلند بودن از ویژگی‌های خود از نمودهای ذاتی هر گروه انسانی است... برای جداگانه بودن نسبت به محیط دیگران، یک منطقه نیازمند یک کوه یا یک دره، یک زبان ویژه یا یک مهارت خاص نیست؛ برای چنین هدفی یک منطقه

اساساً نیازمند یک باور استوار بر پایه اعتقادی دینی، برخی دیدگاه‌های ویژه اجتماعی و جلوه‌هایی از خاطرات سیاسی است و اغلب به آمیخته‌ای از این هرسه نیاز دارد... (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۱۲۹).

نیازهای طبیعی انسان‌ها به منابع موجود در محیط اطراف باعث شده است تا انسان از ابتدای پیدایش خود و تشکیل اقوام و زندگی گروهی، محدوده معینی را برای خود مشخص کند و از آن محدوده در مقابل بهره‌برداری، نفوذ و دخالت سایر افراد جلوگیری و در صورت لزوم، به‌طور دسته‌جمعی از حریم خود دفاع کند (خطابی، ۱۳۷۴: ۲). برای فهم بهتر ماهیت و محتوای مرزها به بررسی چند تعریف از آن می‌پردازیم.

درایسدل و بلیک: «مرز به پدیده‌ای فضایی اطلاق می‌شود که منعکس‌کننده قلمرو حاکمیت سیاسی یک حکومت بوده و مطابق قواعد خاصی در مقابل حرکت انسان و انتقال کالا مانع ایجاد می‌کند.» (۱۳۷۴: ۱۰۱).

دره میرحیدر: «خطوط مرزی خطوطی اعتباری و قراردادی هستند که به منظور تحدید یک واحد سیاسی بر روی زمین مشخص می‌شوند.» (۱۳۸۰: ۱۶۱).

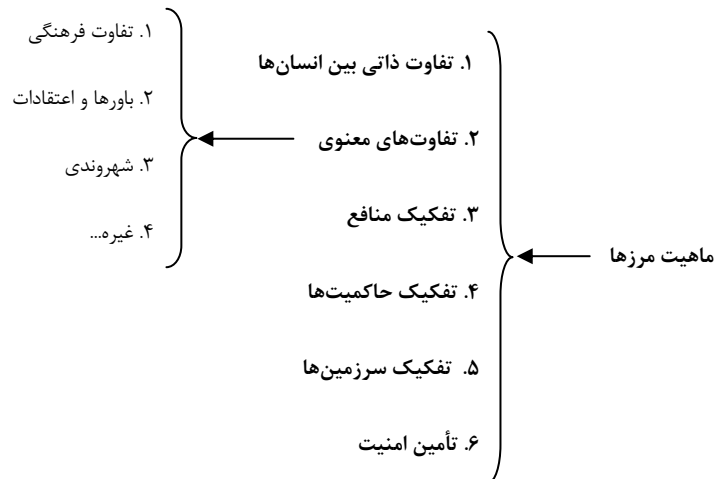
معلم‌نژاد: «منشأ ایجاد مرزها، تفکیک قلمرو سیاسی ممالک مختلف است؛ زیرا مرزها بیش از آنکه مشخص‌کننده محیط طبیعی باشند متمایزکننده حاکمیت ملل هستند.» (۱۳۴۷: ۸۰).

محمدرضا حافظ‌نیا: «مرزها خطوطی هستند که حدود بیرونی قلمرو سرزمین تحت حاکمیت یک دولت ملی را مشخص می‌کنند. مرز عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی یا یک کشور از دیگر واحدهای مجاور آن است.» (۱۳۸۵: ۶۹).

مروری بر این تعریف‌ها نشان می‌دهد در عین کثرت و تنوع تعریف‌ها و تعبیرها، ماهیت مرز واحد است. اما هر یک از تعریف‌ها دارای جنبه‌های مختلفی است که براساس زمینه فکری و برداشت علمی تعریف‌کننده، برای بیان حقیقت و به منظور انطباق آن با کارکردها و مسائل مختلف مورد توجه آن‌ها تفسیر و تعبیر شده است (ر.ک شکل زیر) (رحمتی‌راد، ۱۳۷۴: ۸).



ماهیت فلسفی مرزها



۵- یافته‌های تحقیق

۵-۱- تفاوت ذاتی انسان‌ها

تفاوت در ویژگی‌ها و صفات موجودات اساس خلقت را تشکیل می‌دهد و نظام خلقت بشر بر تفاوت نهاده شده است. همچنان‌که واضح است، نیاز ذاتی مردم این است که برای اطمینان از احساس امنیت و به‌دست آوردن استقلال عمل، در فضایی محدود شده زندگی کنند. براساس این باور، نمی‌توان زندگی در سرزمین بدون مرز را تصور کرد؛ حتی اگر آن‌ها مانند پوسته نفوذپذیر باشند. همچنان‌که روان‌شناسی محیطی بر این باور است که این پدیده یک اصل در وجود انسان است: هر شخص دارای فضاهای شخصی متفاوتی است که به‌وسیله اقدامات، فضای مسکونی، فضای فعلیتی و... تعریف می‌شود و هرکدام یک قلمرو را شکل می‌دهد. بنابراین مرزها بناهایی هستند که با درک (احساس) انسان درباره فضای مجاور درست می‌شوند. از سوی دیگر، هیچ‌کس تردیدی ندارد که مرزها به‌طور اساسی آفریده‌های انسانی

هستند. مردم هستند که اختلافات را درک کرده، مرزها را برقرار می‌کنند (Rumley & Minghi, 1991: 44-45).

۲-۵- تفاوت‌های معنوی (فرهنگ، باورها و اعتقادات، شهروندی و ...)

تعریف فرهنگ، مسئله‌ی تعریف مرزهایی است که اساساً سیاسی‌اند؛ مرزهای سرکوب و دفاع در برابر سرکوب (والرشتاین، ۱۳۸۴: ۲۷۱). اینکه فرهنگ غالب در روند جهان‌گرایی همسان‌ساز است، هیچ‌گاه به معنای این نیست که انسان‌هایی را می‌پرورد که با یکدیگر تعارض و تنازعی ندارند. همسان‌سازی انسان‌هایی خودخواه، منفعت‌طلب و بی‌گذشت بار می‌آورد که تنها به خود و گروهشان می‌اندیشند. این خودمختاری با ایده‌ی جهان‌گرایی ناسازگار است. به‌نظر می‌رسد علت و سرمنشأ رشد انفجارگونه‌ی ملیت‌گرایی و ادعاهای قومی که روند جهانی‌شدن را به چالش می‌خواند، همین امر باشد.

به‌طور کلی، روابط اکولوژیکی انسان با مکان و فضا که به زبان ساده از آن به «حق آب و گل» تعبیر می‌شود، از حدّ روابط مادی با مکان فراتر رفته است. انسان با مکان و فضا روابط عاطفی برقرار کرده و مهر مکان در دلش جای‌گیر شده است و مکان برای او ارزش و قداست معنوی یافته است. این‌گونه روابط مبنای فلسفی قدرتمندی برای پدیدار شدن سلسله‌ای از حقوق تابعیت، شهروندی و نقش‌آفرینی سیاسی انسان در فرایندی دموکراتیک است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۷۴). کامیلری و فالک در این‌باره می‌نویسند:

مرزها در مرکز گفتمان مربوط به حاکمیت قرار دارند. بحث تنها مربوط به مرزهای مشخص و مرئی (فیزیکی) نمی‌شود که یک کشور مستقل و حاکم را از دیگری جدا می‌سازد؛ مرزهای فرهنگی نیز وجود دارند که جداکننده «خودی» از «دیگری» هستند، و مرزهای مفهومی که مسائل داخلی را از بین‌المللی، نظم را از بی‌نظمی و جهانی را از انحصار متمایز می‌سازند. همه‌ی این نوع مرزها در کانون گفتمان قرار دارند (Camilleri & Falk, 1992: 237).

با توجه به آنچه گفته شد، نبود موانع در عبور مرور، اقامت در کشور دیگر و توانایی سخن گفتن به زبان آن کشور باعث از بین رفتن تفاوت‌های معنوی بین فرهنگ‌ها، باورها



و اعتقادات آن‌ها نمی‌شود و این تفاوت‌های معنوی همچنان در بین آن‌ها پایدار باقی می‌ماند.

۳-۵- تفکیک منافع

با اینکه جهانی شدن اقتصادی بیش از جهانی شدن سیاسی و جهانی شدن فرهنگی و نهادها، مورد توجه دولت‌ها بوده و نیز گفته شده است که جهانی شدن و رشد اقتصادی مترادف یکدیگرند، هنوز نه تنها از روند قطبی شدن کم نشده؛ بلکه حتی از دهه‌های هشتاد و نود میلادی بیشتر هم شده است. در عین حال شکاف طبقاتی بین شمال و جنوب نیز افزایش یافته است (کامران و کریمی‌پور، ۱۳۸۱: ۴۱). براساس این می‌توان گفت همچون گذشته، تصمیم‌های امروز کشورها مبتنی است بر محاسبات و تخمین‌های آنان از منافع ملی، و میزان قدرت و نفوذی که جهت دستیابی به آن اهداف موردنیاز است (باربر و اسمیت، ۱۳۸۱: ۷۳)؛ به‌گونه‌ای که اگرچه شرکت‌های تجاری منطقه‌ای موانع تجاری را تا حد تجارت میان اعضای خود حذف کرده و یا کاهش داده‌اند، این شرکت‌ها موانع تعرفه‌ای جدیدی را در برابر افراد غیرعضو برافراشته‌اند. شاید مهم‌ترین متخلف علیه اصل تجارت آزاد، ژاپن باشد که با استفاده از تعرفه و سهمیه و با پایین آوردن ارزش ین، میزان بالای صادرات خود را با سیاست حمایت از صنایع در برابر کالاهای وارداتی رقابتی تلفیق کرده است (مویر، ۱۳۷۹: ۲۸۵). در بررسی مرز بین ایالات متحده و کانادا، جنت کگلوسکی^۱ با توجه به جنبه اقتصادی جهانی شدن به این نتیجه می‌رسد که با وجود شواهدی مبنی بر اینکه اقتصاد آمریکا در حال بازشدن است، پژوهش تجربی اخیر نشان می‌دهد مرز بین ایالات متحده و کانادا بر جریان تجارت و قیمت‌های نسبی دوطرفه تأثیر بسیار گسترده‌ای دارد. آزادی نسبی داده‌شده در مرز کانادا و ایالات متحده، نسبت به بازار تولیدات در ایالات متحده و دیگر کشورها ناممکن است. این موضوع با ملتی که هم‌اکنون جهانی شدن را به لحاظ اقتصادی در راستای بی‌معنایی مرزهای ملی ارائه می‌کند، تناقض دارد. اما بر مبنای شواهد داده‌های اخیر، معلوم نیست آیا فشارهای اقتصادی مرزها در حقیقت کمتر از گذشته است؟ همچنین دلایل تأثیرات ذاتی مرزها هنوز

1- Janet Ceglowski

کاملاً قابل درک نیست. در نتیجه درست به نظر نمی‌رسد که فکر کنیم پیشرفت‌های اخیر در ارتباطات مانند اینترنت، مرزهای اقتصادی بین ملت‌ها را کاهش می‌دهد. هرچند تأثیرات مرزها فراسوی فشارهای اقتصادی، فاصله جغرافیایی و تعرفه‌های تجاری رسمی ظاهر شده است و توسعه می‌یابد. ضمن اینکه فقط آزاد کردن تجارت یا کاهش قیمت‌های حمل و نقل بین بازارهای ملت‌ها نمی‌تواند دلیل کافی برای ناپدید شدن مرزها باشد (Ceglowski, 1998: 25-6).

۴-۵- تفکیک سرزمین‌ها

مرزها و ایجاد سرزمین دو روی یک سکه‌اند که محدوده‌های فضایی هویت را بازسازی می‌کنند و آن‌ها و آنجا را در مقابل ما یا اینجا شکل می‌دهند (Paasi, 1996: 27-8). با توجه به فرایند جهانی‌شدن شاهد پدید آمدن مباحثی چون قلمروزدایی شدن^۱ (سرزمین‌زدایی شدن) هستیم؛ به این معنا که سرزمین‌ها اعتبار و اهمیت خود را برای افراد و ملت‌ها از دست می‌دهند. اما باید توجه داشت کشمکش‌های سرزمینی و قومی در دنیای جهانی‌شده هنوز هم وجود دارد. همچنین بعضی از آن‌ها در کناره مرزها جایی که استدلال‌های قلمروزدایی شدن و جهانی‌شدن تمرکز دارد، به وجود آمده‌اند. برای مثال، می‌توان به کشمکش‌ها در قبرس، بالکان و اسرائیل - فلسطین اشاره کرد (Newman, 1999: 10). بر اساس این می‌توان گفت حسن سرزمین‌خواهی در بین افراد به شکل متمایز دانستن خود و سرزمین خود از دیگری وجود دارد و مرزهای مختلفی برای تعیین حدود آن می‌کشند. موضوع قلمروزدایی شدن به وسیله جهانی‌شدن مورد تردید قرار می‌گیرد (والترز، ۱۳۸۵: ۱۰۵).

۵-۵- تفکیک حاکمیت‌ها

مرز به تنهایی دارای یک نقش است و آن تحدید منطقه‌ای است که داخل آن یک نوع قدرت اعمال می‌شود. اما دولت‌ها سعی می‌کنند نقش‌های دیگری هم مثل مهاجرت، تجارت، بهداشت و... را در منطقه اعمال کنند (پرسکات، ۱۳۵۶: ۶۱). مثال زیر در اتحادیه اروپا که نوعی

1- Deterritorialization



تضعیف مرزها در آن صورت گرفته است، وجود گونه‌ی جدید اعمال حاکمیت را در آنجا ثابت می‌کند:

ریزش مرزها باعث نظارت نکردن دقیق رفت و آمد در سرزمین‌های جغرافیایی کشورهای عضو خواهد بود که بعد از این برای قدرت سیاسی و به‌ویژه برای مدعیان نوع جدیدی از بازرسی مرزها را به ارمغان خواهد آورد. حاکمیت در محدوده‌ی جغرافیایی هر کشوری به دعای حقوقی مربوط است. بازرسی و نظارت بر رفت و آمد در مرزها به‌وسیله‌ی نوعی انفورماتیک به نام «سیستم انفورماتیک شنگن»^۱ انجام می‌شود که دارای دستگاه مرکزی اطلاعاتی دوجانبه و لحظه‌ای بین پلیس مرزی کشورهای عضو است. مرکز اصلی این سیستم در شهر مرزی استراسبورگ در فرانسه است (فوشه، ۱۳۸۵: ۹۲). داخل خاک فرانسه تا شعاع بیست کیلومتری مرزهای داخلی، بازرسی‌های غیرمنتظره و ناگهانی به‌عنوان اقدامات لازم انجام می‌گیرد. در آینده بازرسی مرزها تخصصی‌تر، و با سیستم انفورماتیک اجرا می‌شود. از جهانگردان عبوری از «خط سبز» یا عبور آزاد آمارگیری می‌شود و اقدامات لازم برای بازرسی قایق‌رانان و ناخداها که از راه‌های آبی داخلی-رودخانه‌ها- در رفت و آمد هستند به‌منظور جلوگیری از سوء استفاده و حمل مخفیانه انسان و یا کالا نیز در حال انجام است (همان، ۹۵). به وسیله‌ی این بازرسی‌ها حکومت‌ها همچنان به اعمال حاکمیت در محدوده‌ی سرزمینی خود ادامه می‌دهند.

۶-۵- تأمین امنیت

در عصر جهانی‌شدن، با توجه به معنای آن، به دلیل یکدست شدن جامعه‌ی جهانی همه‌ی مسائل به یکدیگر مرتبط و نزدیک می‌شود؛ یکی از این مسائل امنیت است. به‌عبارت دیگر، در چنین جهانی امنیت یک کشور مساوی با امنیت همه‌ی کشورهاست و برعکس؛ یعنی امنیت مفهومی متقابل، مساوی و یکسان برای کشورهاست (بصیری، ۱۳۷۹: ۱۷۱). با وجود این، در عصر جهانی‌شدن وضعیت سرزمین و مرز در مناطق مختلف، حتی در مناطقی که به جهان تند معروف‌اند، از روند معکوس و یا بازگشتی جهانی‌شدن حکایت می‌کند. نفتا نمونه‌ی مناسبی از

1. SIS= Systeme Informatique Schengen

این ادعاست. مرزهای کانادا- ایالات متحده نیز شاهد مناسبی برای توان سازوکارهای قلمروسازی همانند حکومت جهت کنترل مدیریت فضا در عصر جهانی‌شدن است. مرزهای هوشمند، فناوری مراقبت، ساخت دیوارهای چندلایه و نظامی‌شدن روزافزون مرز در مناطق شمالی ایالات متحده نشان‌دهنده عدم تطبیق واقعیت با ادعاهای جهان‌گرایان است؛ درحالی‌که این مرز در زمان جنگ و تقویت جهانی‌شدن، تقویت مرز و روند معکوس آن در عصر جهانی‌شدن مشاهده می‌شود. گویی جهانی‌شدن به‌طور دقیق به معنای تقویت مرز شده است (Blacksell, 206: 2). الکسون در مورد مرزهای ایالات متحده می‌گوید مرزهای هوشمند یکی از ابتکارات جدید جهت تسهیل تجارت و نظارت بر تروریست‌ها، سلاح‌های کشتار جمعی، داروهای قاچاق و مهاجران غیرقانونی بود. در حال حاضر، این ابتکار باعث همکاری نزدیک آمریکا، کانادا و مکزیک برای مبارزه با تروریسم شده است. اگرچه مرزهای هوشمند مربوط به ورودی‌های مرز است، این امر سبب مدیریت خوب نیز شده است؛ یعنی در عصر جهانی‌شدن که فناوری باعث شکوفا شدن آن شده است، به‌کارگیری فناوری جهت مراقبت و کنترل مرز مشاهده می‌شود. در این دنیای جهانی‌شده به همراه پیشرفت فناوری، نه‌تنها شاهد فرسوده شدن مرزها نیستیم؛ بلکه بر مبنای شواهد کنونی تقویت مرزها را نیز مشاهده می‌کنیم (میرحیدر و حیدری‌فر، ۱۳۸۶: ۲۲).

۶- تجزیه و تحلیل

۶-۱- جهانی‌شدن اقتصاد

اگرچه شاهد نفوذپذیری مرزهای سیاسی در برابر جریان‌های اقتصادی هستیم و وابستگی متقابل در گستره جهانی به حدی رسیده است که امکان چندانی برای اتخاذ سیاست انزوا و خودکفایی اقتصادی وجود ندارد، هنوز کشورها بر اساس منافع خود این جریان‌ها را تنظیم می‌کنند. در واقع پیگیری منافع ملی کشورها در عرصه جهانی است که باعث واکنش به جریان بعضی کالاها و سرمایه‌گذاری شرکت‌ها و تسهیل ورود بعضی کالاها و شرکت‌های دیگر در کشور می‌شود. همچنین در بررسی مرز بین ایالات متحده و کانادا، که یکی از بازترین و بدون مانع‌ترین مرزهای جهان در برابر جریان‌های اقتصادی فرض می‌شود، جنت کگلوسکی به این



نتیجه می‌رسد که مرز بین ایالات متحده و کانادا بر جریان تجارت و قیمت‌های نسبی دوطرفه تأثیر گسترده‌ای دارد. بیشتر شواهدی که داده‌های کگلوسکی بر مبنای آن‌ها هستند، نشان نمی‌دهد که فشارهای اقتصادی مرزها در واقع کمتر از گذشته است یا نه. همچنین دلایل تأثیرات ذاتی مرزها هنوز کاملاً قابل درک نیست. در نتیجه نادرست به نظر می‌رسد که فکر کنیم پیشرفت‌های اخیر در ارتباطات مانند حمل و نقل، اینترنت و غیره مرزهای اقتصادی بین ملت‌ها را کاهش داده است. ضمن اینکه فقط آزاد کردن تجارت یا کاهش قیمت‌های حمل و نقل بین بازارهای ملت‌ها نمی‌تواند دلیل کافی برای ناپدید شدن مرزها باشد. در مجموع، مرزهای ملی همچنان از اهمیت روزافزون و دیرپا برخوردارند؛ سرمایه همچنان در ساختارهای مشخص و جداگانه ملی و اجتماعی و یا سازمانی جای گرفته است؛ حکومت - ملت همچنان رسانه میان فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی داخلی و فراملیتی است؛ حکومت‌ها همچنان نقش موثر خود را در شکل‌گیری جریان‌هایی که در چارچوب مرزی آن‌ها صورت می‌پذیرند، حفظ کرده‌اند.

۲-۶- جهانی شدن سیاست

کشورها هنوز هم بر اساس منافع ملی خود که برگرفته از منافع ملت‌های خود درون مرزهایشان است، تصمیم می‌گیرند. حکومت‌ها نیز در روندی روبه افزایش در چند دهه گذشته، زمین را بر اساس مرزبندی‌های خود به سرزمین‌های جداگانه‌ای تقسیم کرده‌اند و می‌کنند. برای مثال، می‌توان به اعلام استقلال کوزوو و ایجاد سرزمین جداگانه و متمایز از صربستان در قرن ۲۱ اشاره کرد. همچنین در این زمینه می‌توان از اعمال حاکمیت و تأمین امنیت جداگانه از سوی حکومت‌ها یاد کرد. با وجود فرایند جهانی شدن، حکومت‌های ملی با بازتعریف کارویژه‌ها و نقش‌های خویش، همچنان در مقام یکی از بازیگران اصلی به ایفای نقش خواهند پرداخت. در سیاست حاکم بر جهان امروز، رشد و گسترش سازمان‌های بین‌المللی هرگز نشان‌دهنده ظهور حکومت واحد جهانی و حذف کامل اقتدار حاکمیت‌های مدرن ملی و بومی نیست. با وجود این استقلال عمل و تأثیرگذاری سازمان‌های فراملیتی، همچنان شاهد هستیم که این سازمان‌ها زمانی که منافع ملی و مسائل

سیاسی یک کشور در میان باشد، رنگ می‌بازند. برای مثال، کارکرد شورای امنیت سازمان ملل - که بزرگ‌ترین و معتبرترین سازمان فراملی است - حاکی از آن است که این سازمان عملاً بازیچه کشورهای قدرتمند است و این کشورها برای منافع خود از آن استفاده می‌کنند و خود این سازمان فراملی هیچ نوع اختیاری ندارد. هر زمان که در این سازمان از منافع ملی کشورها سخن به میان می‌آید، کشورها براساس آن تصمیم می‌گیرند. برای نمونه، حمله آمریکا به عراق و افغانستان بدون توجه به موافقت شورای امنیت نمونه‌ای از تصمیم‌گیری کشورها بر اساس منافع ملی است.

۳-۶- جهانی شدن فرهنگ

امید به شکل‌گیری فرهنگ جهانی یکدست و واحد بیهوده و ناممکن است. حتی در بسیاری از کشورها هنوز فرهنگ واحد ملی پدید نیامده است. بنابراین، شکل گرفتن فرهنگ جهانی تمام‌عیار ناممکن است. از سوی دیگر، انسان‌ها نگرش‌های ویژه خود را دارند و دریافت‌کننده منفعل پیام‌های جهانی نیستند و در نتیجه تمایزات را به قوت حفظ خواهند کرد. اینکه فرهنگ غالب در روند جهان‌گرایی همسان‌ساز است، هرگز به معنای این نیست که انسان‌هایی را می‌پرورد که با یکدیگر تعارض و تنازعی ندارند. همسان‌سازی آدم‌هایی خودخواه، منفعت‌طلب و بی‌گذشت پرورش می‌دهد. این خودمختاری با ایده جهان‌گرایی ناسازگار است. به نظر می‌رسد علت و سرمنشأ رشد انفجارگونه ملیت‌گرایی و ادعاهای قومی که روند جهانی‌شدن را به چالش می‌خواند، همین امر باشد. جدایی‌طلبی اهالی باسک در اسپانیا، سیسیل در ایتالیا، کبک در کانادا و حتی اسکاتلند در بریتانیا نشان می‌دهد حتی کشورهای مرفه نیز از این پیامد بی‌نصیب نیستند. همچنین داشتن هویت متمایز و جداگانه از دیگران یکی از ارکان اصلی و ذاتی انسان‌هاست. این هویت جداگانه خود را به شکل‌های متفاوت نمایان می‌کند. برای مثال، کشورهای عضو اتحادیه اروپا به شدت از شکل‌گیری اتحادیه در قالب فدرالی دوری می‌کنند و ترجیح می‌دهند خودشان را حداکثر به صورت کنفدراسیونی با نواحی هویتی به شدت حفظ‌شده و متمایز پابرجا بدارند. در نتیجه در این اتحادیه بیست زبان رسمی



وجود دارد که باید تسهیلاتی برای ترجمه نوشته‌ها و سخنرانی‌ها به آن زبان‌ها در هر زمانی وجود داشته باشد.

۴-۶- جهانی‌شدن امنیت

پیدایش فناوری اطلاعات و ارتباطات باعث شده است بیشتر مسائل امنیتی و زیست‌محیطی به صورت جهانی خودنمایی کند و کشورها در این زمینه نیازمند همکاری و مساعدت با یکدیگر شوند؛ اما جهانی‌شدن امنیت و پیدایش مسائل جهانی، وضعیت سرزمین و مرز را در مناطق مختلف، حتی در نقاطی که سردمدار جهانی‌شدن هستند، نتوانسته است دگرگون کند. برای مثال، در اروپا به محض به خطر افتادن امنیت کشورها بر اثر تب برفکی یا جنون گاوی مقررات سختی بر عبور و مرورها اعمال می‌شود و از مرزها به شدت مراقبت می‌شود. در آمریکا نیز بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر مرزهای این کشور به شدت بازرسی می‌شود و از ورود اتباع بسیاری از کشورهای متهم به تروریسم و یا حامی آن‌ها جلوگیری می‌شود. این موارد و بسیاری دیگر نشان می‌دهد جهانی‌شدن و پیشرفت فناوری باعث شده است امنیت و مسائل امنیتی و زیست‌محیطی جنبه‌ای جهانی پیدا کند و همه کشورها را تحت تأثیر قرار دهد؛ اما در این میان کشورها بیشتر با در نظر گرفتن منافع، فرهنگ و امنیت سرزمین‌های خود به این مسائل نگاه می‌کنند و امنیت و مسائل زیست‌محیطی کشورهای دیگر برای آن‌ها اهمیت کمتری دارد.

۵- نتیجه‌گیری

مرز به عنوان یکی از مفاهیم اساسی و مهم در جغرافیای سیاسی همیشه از مهم‌ترین موضوعات مورد بررسی در این رشته بوده است. از همین رو، با پیدایش پدیده جهانی‌شدن، بحث‌های زیادی درباره از میان رفتن و بی‌اهمیت شدن مرزها در علوم اجتماعی شکل گرفته است. در این مقاله، تأثیرات جهانی‌شدن از جنبه‌های مختلف بررسی شده است. جهانی‌شدن اقتصاد قوی‌ترین و پرطرفدارترین جنبه جهانی‌شدن است. اما با این حال هنوز کشورها براساس منافع خود جریان‌های اقتصادی را تنظیم می‌کنند؛ پیگیری منافع ملی کشورها

در عرصه جهانی است که باعث واکنش به جریان بعضی کالاها و سرمایه‌گذاری شرکت‌ها و تسهیل ورود بعضی کالاها و شرکت‌های دیگر در کشور می‌شود؛ سرمایه‌همچنان در ساختارهای مشخص و جداگانه ملی و اجتماعی و یا سازمانی جای گرفته است.

درباره جهانی شدن سیاست می‌توان گفت کشورها براساس منافع ملی خود که برگرفته از منافع ملت‌های خود در مرزهایشان است، تصمیم می‌گیرند؛ حکومت‌ها هم اکنون نیز در روندی روبه‌افزایش، زمین را براساس مرزبندی‌های خود به سرزمین‌های جداگانه‌ای تقسیم کرده‌اند و می‌کنند؛ با وجود فرایند جهانی شدن، حکومت‌های ملی با بازتعریف کارویژه‌ها و نقش‌های خویش همچنان در مقام یکی از بازیگران اصلی در چارچوب مرزهایی مشخص به ایفای نقش می‌پردازند.

در زمینه جهانی شدن فرهنگ باید توجه داشت انسان‌ها نگرش‌های ویژه خود را دارند و دریافت‌کننده منفعل پیام‌های جهانی نیستند و در نتیجه تمایزات را به قوت حفظ می‌کنند. اینکه فرهنگ غالب در روند جهان‌گرایی همسان‌ساز است، هرگز به معنای این نیست که انسان‌هایی را می‌پرورد که با یکدیگر تعارض و تنازع ندارند. این خودمختاری با ایده جهان‌گرایی ناسازگار است و علت رشد انفجارگونه ملیت‌گرایی و ادعاهای قومی که روند جهانی شدن را به چالش می‌خواند، همین است. همچنین داشتن هویت متمایز و جداگانه از دیگران یکی از ارکان اصلی و ذاتی انسان‌هاست و این هویت جداگانه خود را به اشکال متفاوت نمایان می‌کند.

در باب جهانی شدن امنیت باید گفت پیدایش فناوری اطلاعات و ارتباطات باعث شده است بیشتر مسائل امنیتی و زیست‌محیطی به صورت جهانی خودنمایی کند و کشورها در این زمینه نیازمند همکاری و مساعدت با یکدیگر باشند؛ اما جهانی شدن امنیت و پیدایش مسائل جهانی، وضعیت سرزمین و مرز را در مناطق مختلف - حتی در نقاطی که سردمدار جهانی شدن هستند - نتوانسته است دگرگون کند.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت اساس خلقت بر تفاوت بنا نهاده شده است و انسان‌ها در اصل موجوداتی متفاوت با یکدیگرند و به صورت فردی و جمعی (گروه قومی، ملت و...) دارای فرهنگ‌ها، باورها و اعتقاداتی متفاوت با دیگری هستند. انسان‌ها بر اساس این تفاوت‌ها



برای خود هویتی متفاوت با دیگری قائل اند؛ به همین دلیل برای تمایز خود از دیگری مرز را ایجاد کرده‌اند. بنابراین، ماهیت مرز از ذات متفاوت انسان‌ها منشأ می‌گیرد و تا زمانی که انسان وجود دارد، ماهیت و همهٔ زمینه‌های تشکیل مرزها را به همراه خود خواهد داشت و این مسئله تغییرکردنی نیست. انسان‌ها این مرزها را برای تفکیک خود و برای به‌دست آوردن هویت جداگانه و متمایز از دیگری حفظ خواهند کرد. بر اساس این، جهانی‌شدن در جلوه‌ها (اقتصادی، سیاسی و...) و ابزارهای متفاوت خود قادر نبوده است ماهیت مرزها را تحت‌تأثیر قرار دهد.

۶- منابع

- اخوان زنجانی، داریوش. (۱۳۸۱). *جهانی‌شدن و سیاست خارجی*. تهران: وزارت امور خارجه.
- باربر، جیمز و مایکل اسمیت. (۱۳۸۱). *ماهیت سیاست‌گذاری خارجی در دنیای وابستگی متقابل کشورها*. ترجمهٔ حسین سیف‌زاده. تهران: قومس.
- بصیری، محمدعلی. (۱۳۷۹). «تحولات مفهوم امنیت ملی». *فصلنامهٔ اطلاعات سیاسی اقتصادی*. ش ۱۶۳-۱۶۴.
- بیلینس، جان و استیو اسمیت. (۱۳۸۳). *جهانی‌شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین (زمینهٔ تاریخی، نظریه‌ها، ساختارها و فرایندها)*. ترجمهٔ ابوالقاسم راه‌چمنی و دیگران. ج ۱. تهران: ابرار معاصر.
- پرسکات. (۱۳۵۶). *گرایش‌های تازه در جغرافیای سیاسی*. ترجمهٔ دره میرحیدر (مهاجرانی).
- حافظنیا، محمد رضا. (۱۳۸۵). «تحلیل کارکردی مرز بین‌المللی: مرز ایران و افغانستان». *فصلنامهٔ مدرس*. دورهٔ ۱۰. ش ۲.
- _____ (۱۳۸۱). *جغرافیای سیاسی ایران*. تهران: سمت.
- _____ (۱۳۸۵). *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*. مشهد: پاپلی.

- خطابی، غلامحسین. (۱۳۷۴). *مرزبانی*. تهران: معاونت آموزشی ناجا.
- درایسدل، آلسدایر و جرالداچ بلیک. (۱۳۷۴). *جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا*. ترجمه دره میرحیدر. چ ۴. تهران: وزارت امور خارجه.
- رحمتی‌راد، محمدحسین. (۱۳۷۴). *مرزبانی، گذرنامه و اتباع بیگانه*. تهران: معاونت آموزشی ناجا.
- فوشه، میشل. (۱۳۸۵). *جمهوری اروپا (بررسی تاریخی و جغرافیایی)*. ترجمه سیدحامد رضیئی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- کامران، حسن و یدالله کریمی‌پور. (۱۳۸۱). «جهانی‌شدن، منطقه‌گرایی و دولت-ملت‌ها». *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی*. ش ۴۲.
- لورو، پاسکال و فرانسوا توال. (۱۳۸۱). *کلیدهای ژئوپلیتیک*. ترجمه دکتر حسن صدوق ونینی. انتشارات دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- مالک، محمدرضا. (۱۳۸۲). *جهانی‌شدن اقتصاد از رویا تا واقعیت*. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۷۹). «جهان سیاسی در سالی که گذشت». *ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی*. ش ۱۵۱-۱۵۲.
- _____ (۱۳۸۱). *جغرافیای سیاسی سیاست جغرافیایی*. تهران: سمت.
- معتمدنژاد، کاظم. (۱۳۴۷). *جغرافیای سیاسی*. تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- مویر، ریچارد. (۱۳۷۹). *درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی*. ترجمه دره میرحیدر و یحیی صفوی. تهران: سازمان جغرافیای نیروهای مسلح.
- میرحیدر، دره. (۱۳۸۰). *مبانی جغرافیای سیاسی*. چ ۸. تهران: سمت.
- میرحیدر، دره و محمدرئوف حیدری‌فر. (۱۳۸۶). «تحول مفهوم سرزمین در عصر جهانی‌شدن». *فصلنامه ژئوپلیتیک*. س ۲. ش ۲.



- والتز، كنت ان. (۱۳۸۵). «جهانی شدن و حاکمیت». ترجمه فریبا مومنی. فصلنامه تحول همه جانبه اقتصاد سیاسی. ش ۲. تهران.
- والرشتاین، ایمانوئل. (۱۳۸۴). سیاست و فرهنگ در نظام متحول جهانی (ژئوپلیتیک و ژئوکالچر). ترجمه پیروز ایزدی. ج ۲. تهران: نشر نی.
- Camilleri, J. A. & J. Falk. (1992). *The End of Sovereignty*. London: Edvard Elgar.
- Ceglowski, Janet. (1998). *Has Globalization Created a Borderless World?* Usa. Published Business Review. March/april.
- Newman, David. (1999). *the Resilience of Territorial Conflict in an Era of Globalization*. Israel. Beer Sheva, Israel 84105.
- Paasi, Anssi. (1996). *Territories, boundaries and consciousness*. Chichester: John Wiley and Sons.
- Rumley, Dennis and Julian V. Minghi. (1991). *the geography of Border landscapes*. London: Routledge.